

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

دکتر محمدتقی ایمان\*  
حسین منفرد\*\*  
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز است. در این پژوهش تلاش شده است تا از بعد روانشناسی اجتماعی، میزان و چگونگی رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان و سازه‌های مؤثر بر آن شناسایی شود. برای انجام این پژوهش ۳۸۴ نفر آزمودنی از میان دانشجویان شاغل به تحصیل در نیمسال دوم تحصیلی ۷۹-۸۰ به صورت تصادفی انتخاب و به پرسشنامه‌های تهیه شده پاسخ گفتند. داده‌های پژوهش حاضر که صرفاً پیمایشی است، با بهره‌گیری از روش تحلیل همبستگی، تحلیل پراکنش، تحلیل عاملی و رگرسیون چند متغیره مورد ارزیابی قرار گرفته است. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز در حد کم است. نتیجه‌ی تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای بیگانگی سیاسی، خانواده‌ی سیاسی، دوستان سیاسی، درجه‌ی مذهبی بودن و خاستگاه اجتماعی آزمودنی‌ها، با رضایت‌مندی سیاسی آنان ارتباطی معنادار دارد. در تحلیل رگرسیون، شش متغیر بیگانگی سیاسی، رضایت تحصیلی، درجه‌ی مذهبی بودن، میزان استفاده از رادیو، سطح سواد مادر و جنسیت، پنجاه درصد از تغییرات رضایت‌مندی سیاسی را تبیین نموده‌اند. در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان، بیش از هر عاملی با رابطه‌ی منفی، تحت تأثیر بیگانگی سیاسی آنان است و سپس با رابطه‌ی مثبت متأثر از رضایت تحصیلی و درجه مذهبی بودن آنان است.

واژه‌های کلیدی: ۱. رضایت‌مندی سیاسی ۲. بیگانگی سیاسی ۳. دوستان سیاسی ۴. خانواده سیاسی ۵. خاستگاه اجتماعی

۱. مقدمه

در تبیین فرهنگ سیاسی، مفاهیمی مانند: قدرت، آزادی، مشروعیت حکومت، حقوق اساسی و دیگر موضوعات مطرح در قلمروی سیاست، پرسش‌هایی رخ می‌نماید که پاسخ به آن‌ها زاویه‌ای از فرهنگ سیاسی را می‌تاباند. یکی از این پرسش‌ها این است که اعضای یک جامعه چه برداشت و احساسی از عملکرد نظام سیاسی خود دارند؟ پاسخ به این پرسش، سازه‌ای روانشناسانه و قابل اندازه‌گیری از فرهنگ سیاسی آن ملت را به دست می‌دهد که از آن به «رضایت‌مندی سیاسی»<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود.

\* دانشجویار بخش جامعه‌شناسی

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی

دانشجویان به عنوان یکی از گروه‌های عضو جامعه، بخشی از این احساس و برداشت را نسبت به نظام سیاسی به نمایش می‌گذارند. آنان در طراحی و تعریف جهت، شدت، برجستگی و سازگاری که چهار ویژگی عقیده‌ی عمومی هستند، صاحب تأثیراند و این در حالی است که هر گونه شکاف میان انتظارات آنان و واقعیت‌های اجتماعی، شکل‌گیری و تشدید بحران‌های سیاسی را در پی دارد (ایمان، ۴۸۶: ۱۳۷۶). بررسی موضوع رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان از این روی که دانشگاه و دانشجو همواره در تحولات سیاسی کشور ایران صاحب تأثیر بوده است، ما را به شناخت و فهم رضایت‌مندی سیاسی جامعه‌ی ایرانی نزدیک خواهد نمود. فراوانی این شناخت برای دولتمردان بسیار سودمند است؛ چون از شروط یک نظام سیاسی کارآمد، برخورداری از حمایت و تداوم رضایت مردم نسبت به سیاست‌های داخلی و خارجی آن است (مورگنتا، ۵۸-۲۵۳: ۱۳۷۴). احساس رضایت مردم به عنوان مبنای تعادل اجتماعی در تداوم یک نظام سیاسی کارآمد نقش بنیادین خواهد داشت (توکلی کرمانی، ۶: ۱۳۷۹). هر نظام سیاسی دور اندیش همواره در تلاش است تا ضمن کاهش منتقدان خود، بر شمار خشنودان و موافقان خود بیافزاید. تداوم این روند به تدریج بر ثبات و دوام پایه‌های آن نظام سیاسی می‌افزاید. بنابراین هدف از این پژوهش ضمن بررسی میزان رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان به شناسایی عوامل مؤثر بر میزان رضایت‌مندی سیاسی آنان می‌پردازد.

## ۲. مروری بر پژوهش‌های پیشین

مطالعات و پژوهش‌های گوناگونی درباره‌ی رضایت افراد از شغل، زندگی، رابطه‌ی زناشویی و کاربرد فناوری‌های گوناگون صورت گرفته است، اما درباره سیاست، به عنوان موضوعی که به راهبردی صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها، نیروهای اجتماعی و فعالیت‌های حکومتی در داخل یک کشور و روابط خارجی آن کشور اطلاق می‌شود (عالم، ۳۰: ۱۳۷۸)، تاکنون پژوهشی مستقل و تحت عنوان رضایت‌مندی سیاسی چه در ایران و چه در خارج از کشور تا آن‌جا که امکانات پژوهشگر موضوع را مورد تفحص قرار داده، انجام نگرفته است. با این حال، تحقیقات دیگری به ویژه در زمینه‌ی سنجش نگرش‌های سیاسی، نارضایتی جوانان و جنبش‌های دانشجویی و رضایت از زندگی وجود دارد که ادبیات آن به موضوع رضایت‌مندی سیاسی نزدیک و نتایج آن برای این پژوهش قابل استفاده است. از این رو چکیده‌ای از آن‌ها در دو قسمت داخلی و خارجی عرضه خواهد شد.

### ۲.۱. مطالعات و پژوهش‌های داخلی

مرتضی نصفت در پژوهشی به سنجش افکار دانشجویان کشور با انتخاب نمونه‌ای به تعداد ۱۳۵۸۴ نفر از کل ۷۷۴۸۲ دانشجوی شاغل به تحصیل در سال ۵۱-۱۳۵۰ پرداخته است. بخشی از نتایج این بررسی گویای آن است که بی‌توجهی کارگزاران امور کشور نسبت به آرا و انتظارات دانشجویان، در رأس عوامل ناراضی‌کننده‌ی یک دانشجو قرار دارد. پس از آن، به ترتیب، مشکلات زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی دانشجو، تمایل به قدرت نمایی، سطحی بودن دروس، پایین بودن سطح علمی و آموزشی استادان، عدم مشارکت دانشجو در اداره امور دانشگاه، احساس ناامنی نسبت به آینده‌ی شغلی، مشکلات ناشی از مقررات آموزشی و تمایل به کسب شهرت قرار دارند. در هر حال از ۳۲ درصد اظهارات دانشجویان درباره‌ی مسایل سیاسی، ۷۰ درصد بیانگر اظهار رضایت از وضع سیاسی مملکت، ثبات و امنیت بوده است. همچنین ۷/۵ درصد از پاسخگویان از اوضاع عمومی و سیاسی کشور در حد زیادی انتقاد نموده‌اند. در این پژوهش، میان شاخص رضایت دانشجو از مؤسسه‌ی محل تحصیل، رضایت از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و تجلیل از رهبری کشور، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود داشته است. دانشجویان مقیم شهرستان بیش از دانشجویان مقیم تهران از پیشرفت نظام سیاسی کشور رضایت داشته‌اند. دانشجویانی که پدرانشان در سطوح اجتماعی-اقتصادی پایین و متوسط بوده‌اند کمتر از طبقات بالا از وضع کلی کشور اظهار رضایت کرده‌اند (نصفت، ۱۳۵۴).

معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی به سفارش و نظارت معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، در سال ۱۳۵۷، پژوهشی درباره‌ی «بررسی نگرش‌های سیاسی دانشجویان» انجام داده است. در این پژوهش تبیین و تحلیل انواع نگرش‌های سیاسی دانشجویان نسبت به نظام و حاکمیت سیاسی، اصول و ارزش‌های آن، شناخت موانع مشارکت سیاسی دانشجویان و بررسی میزان تأثیر متغیرهای اجتماعی-اقتصادی بر نگرش‌های سیاسی آنان، سه هدف

عمده‌ی تحقیق بوده است. نتایج پژوهش در بعد سنجش نگرش گویای آن است که فقط ۲ درصد از نمونه‌ی آماری ۵۵ نفری، نسبت به ارزش‌ها و اصول نظام نگرش منفی داشته‌اند. به عبارتی ۸۸ درصد نگرش آنان متمایل به متوسط و ۱۰ درصد اعتقاد بسیار زیادی به ارزش و اصول نظام داشته‌اند. درباره‌ی نگرش به حاکمیت موجود و نهادهای آن، یک درصد نظر مخالف، ۷۸ درصد نظری بینابین و در حد متوسط و ۲۱ درصد به حاکمیت اعتقاد کامل اعلام کرده‌اند. نتایج دیگر نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان زیر تأثیر متغیرهای سال ورود و محل زندگی، از لحاظ اجتماعی ارتباط معناداری دارد. میان سال ورود به دانشگاه و نگرش به حاکمیت سیاسی رابطه‌ی معکوس وجود داشته و متغیرهای تأهل، سن، سال ورود به دانشگاه، تحصیلات والدین و پایگاه طبقاتی دانشجویان، با نگرش به ارزش‌ها و اصول نظام، رابطه‌ی معنادار دیده شده است (معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۶۳-۱۴۸: ۱۳۷۸).

## ۲.۲. مطالعات و پژوهش‌های خارجی

«بلاکر و شرکات»<sup>۲</sup> با استفاده از مطالعات انجام شده درباره‌ی جامعه‌پذیری جوانان و والدین آن‌ها در سال‌های ۷۳-۱۹۶۵، به بررسی اثر جامعه‌پذیری سیاسی، تمایلات مذهبی، گرایش‌های اجتماعی روانی و منشاء طبقاتی بر احتمال حضور و فعالیت آنان در اعلام ناراضی‌تی‌ها و اعتراضات ضد جنگ و حقوق مدنی دانشجویان در دهه‌ی ۱۹۶۰ آمریکا پرداخته‌اند. آنان با انتخاب دو نمونه از «فعالان»<sup>۳</sup> و غیرفعالان دهه‌ی ۶۰ و مقایسه‌ی اطلاعات به دست آمده، به این نتایج دست یافته‌اند که زنان، ساکنان جنوب و جوانان نواحی غیر از ما در شهرها، در این «اعتراضات»<sup>۴</sup> فعالیت کمتری داشته‌اند. جوانان با تحصیلات بالا و دارای والدین مرفه، احتمال بیشتری برای حضور در جنبش‌های دانشجویی دهه‌ی ۶۰ داشته‌اند. همچنین آنان به این نتیجه رسیدند که جوانان با عقاید بنیاد گرایی انجیلی و اعضای فرقه‌های محافظه کار پروتستان، در میان ناراضیان اندک بوده‌اند حال آنکه کاتولیک‌ها و یهودیان به نسبت پروتستانها در این اعتراضات فعالیت بیشتری داشته‌اند. در مجموع، نتایج رگرسیون چند متغیره نیز بیانگر این نکته بوده که مردان، جوانان سیاه پوست، ساکنان شهری، تحصیلات بالا، درآمد والدین، حس کارایی سیاسی، یهودی و کاتولیک بودن، با حضور و فعالیت در جنبش‌های دانشجویی رابطه‌ی معنادار دارند (بلوکر و شرکات، ۸۲۴: ۱۹۹۴).

«انگوس کامپل»<sup>۵</sup> «بلازر راجرز»<sup>۶</sup> و «فیلیپ کانورس»<sup>۷</sup> از اعضای اصلی مرکز پژوهش‌های پیمایشی دانشگاه میشیگان در سال ۱۹۷۱ مطالعه‌ی درباره‌ی رضایت‌مندی از کیفیت زندگی انجام داده‌اند. در مجموع، نتایج تحقیق گویای این است که رضایت‌مندی از خود، درآمد خانوار، زندگی خانوادگی و ازدواج، مهمترین عناصر در رضایت‌مندی کلی فرد از زندگی می‌باشد. در این میان، بعد اساسی رضایت‌مندی، شاخص بیگانگی سیاسی معرفی گردیده است. درباره‌ی احساس مسئولیت مقامات کشور، وجود آزادی برای زندگی و رضایت‌مندی از زندگی در آمریکا، ۲۲ درصد کاملاً خشنودند. بیش از ۶۰ درصد سطوح متفاوتی از رضایت‌مندی را ابراز داشته و ۱۱ درصد اعلام بی‌تفاوتی و ۷ درصد خبر از ناراضی‌تی داده‌اند. در این پژوهش، ناراضی‌تی و بیگانگی سیاسی، در میان ساکنان سیاه‌پوست مادرشهرها، جوانان و کسانی که دانشگاه دیده هستند رواج بیشتری داشته است (از کمپ، ۹۳-۶۷: ۱۳۷۰).

«جفری پایچ»<sup>۸</sup> در سال ۱۹۷۱، با استفاده از یک نمونه‌ی ۲۳۷ نفری از سیاه‌پوستان، به بررسی رابطه‌ی میان اعتماد سیاسی و کارایی سیاسی با «مشارکت آشوبگرانه»<sup>۹</sup> (مشارکت در آشوب‌های سیاسی) پرداخته است. یافته‌ها دلالت بر سهم شدید ناراضی‌تی در مشارکت آشوبگرانه دارد. آشوبگران سیاسی در میان ناراضیان، کسانی هستند که اعتماد سیاسی پایینی به حکومت دارند (پایچ، ۸۱۱-۲۰: ۱۹۶۱).

پژوهش رضایت از زندگی در دانشگاه ناتال آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان «رضایت از زندگی و انتظارات آینده‌ی دانشجویان ۳۳۸ دانشجوی رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه ناتال شهر دوربان آفریقای جنوبی را بر محور «خوشبختی»<sup>۱۰</sup> مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج به دست آمده، گویای آن است که ۶۰ درصد دانشجویان انتظار خوبی برای پنج سال آینده داشته‌اند. نیز کسانی بوده‌اند که از رضایت در حد متوسط برخوردار بوده‌اند. عده‌ای خوشبختی را در گرو پول و عده‌ای در گرو ایمان می‌دیدند. در هر حال مشخص شده است که درآمد و نژاد با رضایت زندگی ارتباط مثبت و معنادار داشته‌اند و سفیدپوستان رضایت بیشتری از زندگی به نسبت سیاه‌پوستان و «رنگین‌پوستان»<sup>۱۱</sup> داشته‌اند (مولر، ۲۶-۱۰: ۱۹۹۶).

### ۳. مبانی نظری تحقیق

فرهنگ جامع روانشناسی در تبیین رضایت‌مندی، آن را به حالتی هیجانی تعبیر می‌کند که با رسیدن به یک هدف پدیدار می‌شود و همچنین در کار درمانی آن را به رضایت ناشی از پیشرفت در یک فعالیت یا یک زمینه‌ی مورد علاقه تعریف می‌کند (پورافکاری، ۱۳۳۲: ۱۳۷۳). در این حالت، مفهوم رضایت، کیفیتی ذهن‌گرایانه و روانی دارد. بیشترین ارتباط این مفهوم کیفی با مفهوم «نگرش»<sup>۱۲</sup> است. فراگیرترین مفهوم نگرش این است که «نگرش تمایلی کم و بیش ثابت است به واکنش مثبت یا منفی به رده‌هایی خاص از آدمها یا اشیا» (برونو، ۳۱۳: ۱۳۷۳) این تعریف از نگرش که مورد نظر این پژوهش است جوهره‌ی بنیادین مفهوم رضایت است. یعنی رضایت هنگامی به دست می‌آید که نگرش، واکنش و یا پاسخ افراد نسبت به یک موضوع مثبت باشد. اگر این نگرش مثبت، در محیطی سیاسی، یعنی در محیطی که در آن، «رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط خارجی آن کشور جریان دارد» (عالم، ۳۰: ۱۳۷۸)، مجال بروز یابد، رضایت‌مندی سیاسی به دست می‌آید.

مفهوم رضایت‌مندی سیاسی به تعبیر متفاوتی مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار داشته است. جیمسون از مفهوم «اعتماد سیاسی»<sup>۱۳</sup> بهره می‌برد و وضعیت مخالف آن را نارضایتی قلمداد می‌کند. وی چهار موضوع را برای اعتماد سیاسی شناسایی کرده است. «مقامات»،<sup>۱۴</sup> «نهادهای سیاسی»،<sup>۱۵</sup> «نظریه عمومی نظام»<sup>۱۶</sup> و «اجتماعی سیاسی»<sup>۱۷</sup> که از نظر جیمسون پیوستاری مراتبی دارند؛ یعنی هر یک نگرش‌های کلی اعتماد از خود را بیان می‌نمایند (گامسون، ۵۲-۵۰: ۱۹۶۸). «گلدریچ»<sup>۱۸</sup> از عنوان «نگرش‌های مشروعیت»<sup>۱۹</sup> بهره می‌برد و آن را به سه نوع «حمایت گر»،<sup>۲۰</sup> «راضی»<sup>۲۱</sup> و «مخالفت»<sup>۲۲</sup> تقسیم می‌نماید (گولدریچ، ۱۰۱: ۱۹۶۶).

«لوسین پای» رضایت سیاسی را در خلال موضوع بحران‌های مسیر توسعه‌ی یک جامعه تعریف می‌کند. از نظر وی، بحران توزیع، زمانی سامان می‌گیرد که مردم از کارآمدی نظام سیاسی در توزیع عادلانه‌ی ارزش‌ها و امکانات جامعه رضایت حاصل کرده و به کارایی هیأت حاکمه اعتماد نمایند. (کاظمی، ۶۰: ۱۳۷۶).

در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، با در نظر گرفتن زیر بنای فلسفی نظریه‌ها، می‌توان موضوع رضایت سیاسی را از سه منظر بررسی کرد. «رویکرد انتقادی»<sup>۲۳</sup> به دنبال دستیابی به ساخت‌های واقعی و پنهان روابط انسان‌ها در دنیای مادی است تا مردم به ویژه ضعیفان را در تغییر دنیای اجتماعی‌اشان یاری رسانند. نارضایتی از وضع موجود، باور به تغییر و «ستیز»<sup>۲۴</sup> به عنوان ماهیت نظام‌های اجتماعی و اعتقاد به توانمندی انسان به تغییر نظام اجتماعی براساس شناخت و آگاهی تاریخی، از تأکیدهای برجسته‌ی این رویکرد است (نیومن، ۶۱-۵۶: ۱۹۹۱). در نظر مارکس که رویکرد انتقادی، ریشه در نظریات وی دارد، کمتر می‌توان جایگاه مشخصی را برای رضایت سیاسی جست‌وجو کرد. چرا که در نظر گاه وی، نظام اجتماعی، همواره‌هاز یک‌سو در تضاد و دگرگونی است و از سوی دیگر، انسان در جامعه‌ی امروزین دچار سرخوردگی و «از خود بیگانگی»<sup>۲۵</sup> می‌باشد؛ مگر این که به آخرین مرحله‌ی فرآیند تاریخی که کمونیسم است دست یابد.

به عبارتی، رضایت‌مندی انسان در آخرین فرآیند تاریخی، توسعه‌ی جامعه است که دست یافتنی می‌شود. مارکس بیگانگی را به عنوان نوعی احساس ناخشنودی، انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی و عینی میان فرد و نهادها و ساختارهای اجتماعی به ویژه سیاست (محسنی تبریزی، ۲۷: ۱۳۷۳) وجهه‌ی مخالف رضایت می‌داند. از نظر وی، تجلی خصلت‌ها و توانایی انسان در موجودات انتزاعی و یا ساخت‌های کلان به گونه‌ای است که مانع بروز و کمال خلاقیت انسان می‌شود و وضعیتی روانی ایجاد می‌کند که خشنودی و نشاط از زندگی چنین انسانی ربوده می‌شود و او را به فردی که از زندگی شخصی و اجتماعی‌اش احساس رضایت نمی‌کند، تبدیل می‌سازد (مارکس، ۴۲: ۱۳۷۳).

در الگویی که «هاپرماس»<sup>۲۶</sup> عرضه داشته است، رضایت‌مندی سیاسی در حوزه‌ی عمومی سیاسی جایی که محل تجلی افکار عمومی است، به دست می‌آید. عرصه‌ای که از هجوم گسترده‌ی علایق و انگیزه‌های خصوصی فارغ باشد. مهمترین نمود این رضایت، بیان و گفتار آزاد و انتقاد منطقی از عملکرد و سیاست‌های نظام سیاسی است. در حوزه‌ی عمومی، چنین اجماعی نه مبتنی بر زور است و نه براساس دیکتاتوری اکثریت، بلکه با توافق و رضایت افراد حاصل

می‌شود و خود بنایی است برای مشروعیت دولت مردم سالار. با تجزیه‌ی اجماع مدنی که زیربنای مشروعیت دولت است، رضایت افراد مخدوش می‌شود (موسوی، ۳۲: ۱۳۷۶).

«در رویکرد تفهیمی»<sup>۲۷</sup> درک زندگی اجتماعی مردم، «شعور عامیانه»<sup>۲۸</sup> «انسان و کنش اجتماعی»<sup>۲۹</sup> جایگاهی برجسته دارد (نیومن، ۵۵-۵۰: ۱۹۹۱). از این رو به جای کاربرد شیوه‌های علوم طبیعی، به دنبال درک حیات انسانی است. بنابراین، تمایلی برای یافتن قوانین جهانی حاکم بر اندیشه و رفتار انسانی بروز نمی‌دهد. «ماکس وبر»<sup>۳۰</sup> جامعه شناس آلمانی، از نظریه‌پردازان شهیر این رویکرد است که مفهوم «مشروعیت»<sup>۳۱</sup> را عرضه می‌دارد. این مفهوم روایت دیگری برای تعبیر رضایت سیاسی اساساً در یک حکومت مردم سالار، حاکمیت بر رضایت مردم استوار است به گونه‌ای که برخلاف تمایل ایشان نمی‌توان امری را بر آنان تحمیل نمود. فقدان مشروعیت به از میان رفتن اعتماد عمومی نسبت به حکومت می‌انجامد. در سده‌ی گذشته واژه‌ی مشروعیت در اشاره به روش‌های سنتی حکومت، اصول قانون اساسی و انطباق با سنت‌ها به کار برده شده است، اما پس از آن مرحله‌ای فرا رسید که در آن عنصر «رضایت» نیز به معنای آن افزوده شد. بدان سان که بنیاد فرمانروایی مشروع بر مفهوم رضایت سامان گرفت (عالی، ۱۰۵: ۱۳۷۸). با این حال در ایده‌های وبر اگر چه مشروعیت در قالب مفهومی فراگیر عرضه شده است اما صرفاً توافق و پذیرش بنیاد فرمانروایی از سوی مردم مد نظر بوده است. در این میان، به نحوه‌ی کارکرد حکومت پرداخته نشده است. این که مشروعیت نظام سیاسی با تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت چه ارتباطی پیدا می‌کند، موضوعی است که می‌توان در نظریه «سیمورمارتین لیپست»<sup>۳۲</sup> به آن دست یافت. در نظریه‌ی «مشروعیت و کارآمدی»<sup>۳۳</sup> به لیپست به تداوم مشروعیت در اثر افزایش رضایت مردم از کارآمدی نظام سیاسی توجه ویژه‌ای شده است. از نظر وی، کارآمدی عبارت است از «تحقق عینی» یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند بدون نظام مانند اصناف بزرگ با نیروهای مسلح، تحقق آن را به عینیه مشاهده نمایند و مشروعیت متضمن ظرفیت سیستم در ایجاد این باور است که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین نهادهای ممکن برای جامعه هستند.» (لیپست، ۱۰: ۱۳۷۴). در این دیدگاه کارآمدی نظام سیاسی، رضایت خاطر اعضای جامعه را فراهم خواهد نمود. شهروندان در زندگی روزانه‌ی جامعه‌ی خود، داور و ناظر قاطعیت عملکرد نظام سیاسی‌اند. ناتوانی حکومت در پاسخ به نیازهای شهروندان، اندیشه‌ی برپایی مشروعیت نوینی را پدیدار می‌سازد؛ چرا که این شهروندان از ارضای نیازهای خود راضی و خرسند نیستند. بنابراین، کاهش پیوسته‌ی کارآمدی یک نظام، با کاهش میزان رضایت مردم از نظام سیاسی، ثبات یک حکومت مشروع را به مخاطره می‌اندازد.

«رویکرد اثباتی»<sup>۳۴</sup> «علوم اجتماعی را روشی سازمان یافته برای ترکیب منطق قیاس با مشاهده‌ی تجربی دقیق از رفتار فردی جهت کشف و تبیین مجموعه‌ای از قوانین علی اجتماعی» می‌داند. تحقیق را جهت پیش‌بینی و کنترل رویدادها و در راستای رضایت و رفع نیازهای انسان ضروری می‌داند (نیومن، ۴۶-۳۰: ۱۹۹۱). رهیافت «کارکرد گرای»<sup>۳۴</sup> که این پژوهش درصدد است تا از منظر آن به موضوع رضایت سیاسی بپردازد، در این رویکرد زمینه‌ی بروز و گسترش یافته است.

در اجرای تحقیقات اجتماعی می‌توان از رویکردهای گوناگون علمی به مطالعه‌ی موضوع پرداخت. این پژوهش درصدد است تا از منظر رهیافت «کارکردگرای»<sup>۳۵</sup> به بررسی رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان بپردازد. به طور کلی، بیان‌های نظری این رهیافت، در اوایل قرن بیستم سامان گرفت و پس از آن توانست با کمک تحقیقات تجربی بسیاری از پژوهشگران به صورت یک نگرش علمی نظام یافته درآید. در این برداشت، فرض می‌شود که کل جامعه، همانند سیستمی مرکب از بخش‌های مختلف است که هریک از این بخش‌ها ضمن انجام وظایف ویژه‌ی خود، در ارتباط دوسویه‌ی تکمیلی با دیگر بخش‌ها است. در نظریه‌ی نظامند آلموند که از نظریه پردازان این رهیافت علمی است، یک سیستم سیاسی، از مجموعه‌ی مهمی از نهادهای اجتماعی تشکیل یافته که با صورتبندی و اجرای اهداف جمعی برای یک جامعه یا گروه‌های داخلی آن فعالیت دارند. بنابراین، سیستم سیاسی از محیط داخلی و فراملی دروندادهایی به صورت تقاضا و پشتیبانی دریافت می‌کند و در تلاش است تا آن‌ها را از راه پرونده‌های خود که نتایج حاصل از سیستم هستند شکل دهی نماید. در آموزه‌های مورد اشاره‌ی آلموند یک نظام سیاسی دارای ۳ سطح اساسی نظام، فرآیند و

سیاست است که هر یک وظایف مخصوص به خود دارند (آلموند و دیگران، ۱۵-۵: ۱۳۷۷). با این حال، وجود یا بروز هرگونه رضایت یا نارضایتی از هر یک از کارکردهای سطوح یاد شده، به سطح دیگر نیز سرایت می‌کند و بنابراین، ممکن است که یک نظام سیاسی را با نتایج مثبت و یا با نتایج زیانباری مانند: افزایش یا کاهش حمایت از نظام سیاسی، روبه‌رو نماید.

از نظر آلموند، فرهنگ سیاسی زیرمجموعه‌ای از کل فرهنگ اجتماعی است که در برگرفته‌ی آن بخش از نگرش‌های درونی و روانی فرد است که نسبت به «اهداف سیاسی»<sup>۳۶</sup> جهت‌گیری شده‌اند. از نظر آلموند، نگرش تمایلات درونی و روانی افراد در جهت کنش سیاسی است که خود متأثر از عواملی مانند سنت‌ها، خاطرات تاریخی، انگیزه‌ها، عواطف، نهادها و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی در قالب ۳ گرایش شناختی، عاطفی و ارزیابانه بروز می‌یابد (آلموند و وربا، ۱۳: ۱۹۶۲). به عبارتی، نگرش «تمایلی کم و بیش ثابت به واکنش مثبت یا منفی نسبت به رده‌هایی خاص از انسانها یا اشیا است» (برونو، ۳۱۳: ۱۳۷۳). حال اگر نگرش افراد نسبت به موضوعی مثبت باشد، مفهوم رضایت‌مندی به دست می‌آید. این امر مورد نظر آلموند و همکارانش نیز بوده است و در الگویی که ارائه می‌دهند، هر یک از گرایش‌های شناختی، عاطفی و ارزیابانه می‌تواند یکی از تمایلات مثبت و منفی و خنثی را شامل گردد. از این رو هر گاه که برآیند فراوانی آگاهی، عواطف و ارزیابی‌های یک فرد از عملکرد سطوح یک نظام سیاسی شامل سطوح، نظام، فرآیند و سیاست مثبت باشد، رضایت‌مندی سیاسی به عنوان یکی از مفاهیم مندرج در فرهنگ سیاسی یک ملت تعریف می‌شود. در این تبیین، بازتاب نگرش در قالب یک احساس خوشایند (مثبت) یا بدآیند (منفی) بروز می‌کند. در حالت احساس خوشایند، رضایت‌مندی سیاسی و در حالت احساس بدآیند نارضایتی سیاسی شکل می‌گیرد.

در معنای کلی، رضایت‌مندی سیاسی را می‌توان به نگرش مثبت اعضای یک جامعه اعم از فرد یا گروه نسبت به مجموعه‌ی نظام سیاسی که به صورت یک احساس خوشایند بازتاب می‌یابد تعریف نمود. این تعریف فراگیر ناظر به سطوح سه‌گانه‌ی نظام فرآیند و سیاست یک نظام سیاسی است. ضمن این که هر سه عنصر شناخت، عاطفه و ارزیابی، یک نگرش را مد نظر قرار می‌دهد، کار ویژه‌های مجموعه‌ی نظام سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. از این منظر، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که چه عواملی بر رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان تأثیر می‌گذارد و از این رهگذر به پرسش‌های فرعی زیر نیز پاسخ خواهد داد:

۱. میزان رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزمودنی در چه وضعیتی قرار دارد؟

۲. میزان ارتباط و جهت هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی، اجتماعی - اقتصادی دانشجویان آزمودنی با

میزان رضایت‌مندی سیاسی آنان چگونه است؟

با این حال، اگر چه رضایت‌مندی سیاسی که در نگاه اول یک کیفیت و وضعیت روانی است، اما متأثر از یک رشته سازه‌های گوناگون جمعیت شناختی، اجتماعی - اقتصادی، دستخوش تحول می‌گردد. بنابراین، آن‌چه اهمیت دارد، شناسایی عوامل تأثیر گذار کاهنده، فزاینده و نیز فرآیند این تأثیر گذاری بر رضایت‌مندی سیاسی است. پژوهشگر از این روی که رضایت‌مندی سیاسی به عنوان یک سازه‌ی روانشناسانه قابل اندازه‌گیری در فرهنگ سیاسی است، آن را به عنوان متغیر وابسته‌ی مورد ارزیابی و تبیین علمی قرار می‌دهد. اگر چه نمی‌توان همه‌ی شرایط و سازه‌های تأثیر گذار بر رضایت‌مندی سیاسی را در یک الگوی معمولی بررسی کرد با این حال با توجه به اهداف و دامنه‌ی تحقیق، تلاش شده تا مدل تحلیل این پژوهش در نمودار شماره یک ترسیم شود.

در این الگو، پژوهش به ۳ سطح رضایت‌مندی سیاسی هدایت می‌گردد:

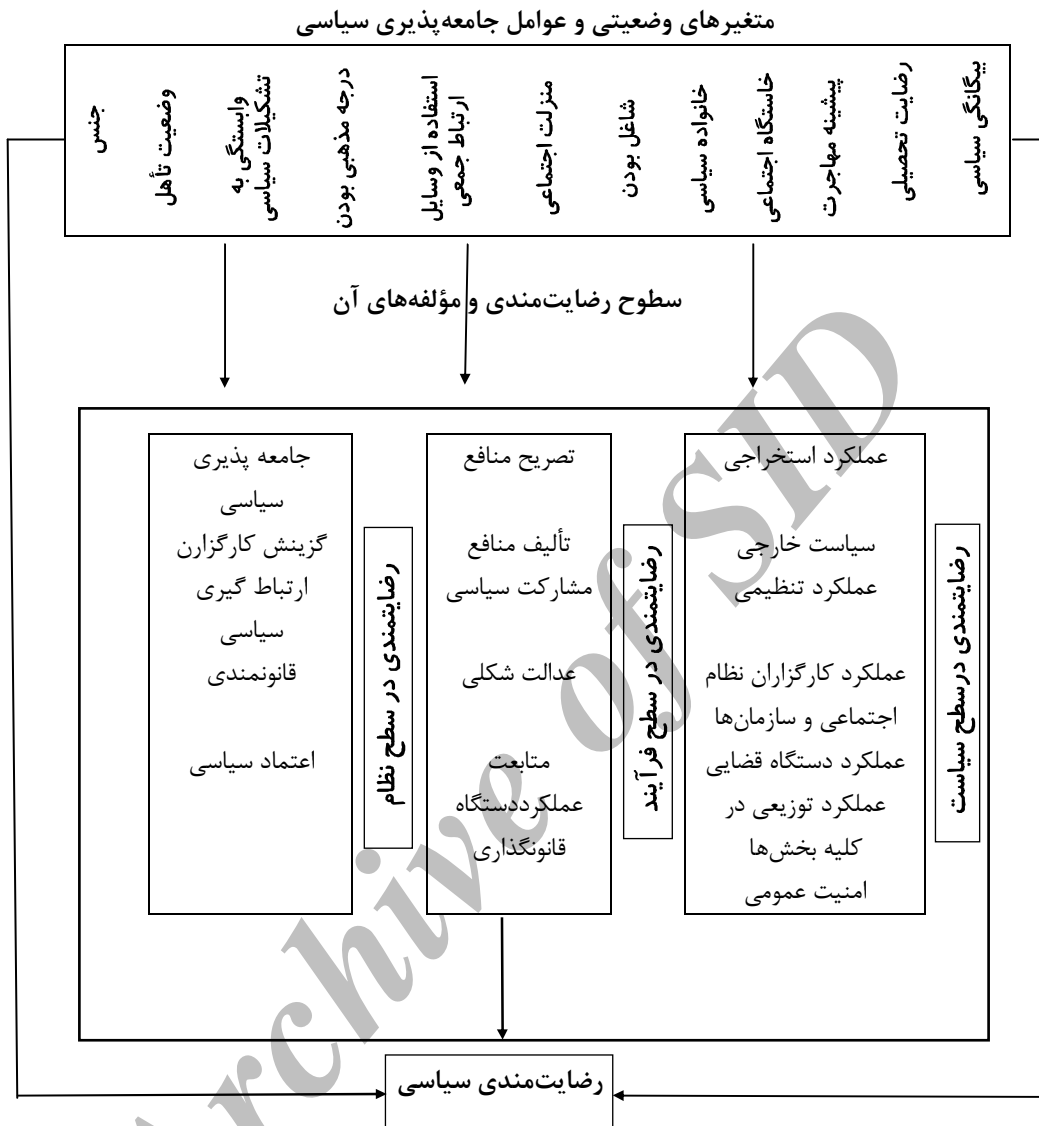
۱. رضایت‌مندی در سطح نظام

۲. رضایت‌مندی در سطح فرآیند

۳. رضایت‌مندی در سطح سیاست

برآیند رضایت‌مندی به دست آمده از ۳ سطح یاد شده را رضایت‌مندی سیاسی منعکس می‌کند. این سطوح متأثر از نگرش مثبت فرد معنا می‌یابد که خود تحت تأثیر سازه‌های دیگری از جمله عوامل جامعه‌پذیری سیاسی است. همچنین از متغیرهای وضعیتی که در تحقیقات علوم اجتماعی به عنوان متغیرهای تأثیر گذار است جهت می‌گیرد. در

این الگو متغیرهای دخیل در فرضیات تحقیق و نیز مؤلفه‌های هر سطح از رضایت‌مندی، به تفکیک به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۱: مدل تحلیلی پژوهش

بر اساس چارچوب نظری و مدل تحلیلی برگرفته از نظریه‌ی نظام‌اندآموند می‌توان فرضیات زیر را مطرح و مورد آزمون قرار داد:

۱. میان وضعیت اجتماعی-اقتصادی دانشجو(جنسیت، وضعیت تأهل، شاغل بودن، خاستگاه اجتماعی، منزلت اجتماعی، پیشینه مهاجرت) و میزان رضایت‌مندی سیاسی وی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
۲. میان وابستگی دانشجو به تشکیلات سیاسی و میزان رضایت‌مندی سیاسی وی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
۳. میان درجه‌ی مذهبی بودن دانشجو و میزان رضایت‌مندی سیاسی وی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
۴. میان میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
۵. میان میزان سیاسی بودن دوستان دانشجو و میزان رضایت‌مندی وی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
۶. میان میزان سیاسی بودن خانواده دانشجو و میزان رضایت‌مندی سیاسی وی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

۷. میان میزان رضایت تحصیلی دانشجوی و رضایت‌مندی سیاسی وی رابطه‌ای معنادار وجود دارد..
۸. میان میزان بیگانگی سیاسی دانشجوی و رضایت‌مندی سیاسی وی رابطه‌ای معنا دار وجود دارد.

#### ۴. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش «روش پیمایشی»<sup>۳۷</sup> و از نوع تحلیلی<sup>۳۸</sup> است که به روابط میان متغیرها توجه دارد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌ای که شامل ۳ بخش است گردآوری گردیده است:

۱. پرسش‌های بخش اول با ۴۱ گویه برای سنجش رضایت‌مندی سیاسی.
  ۲. پرسش‌های بخش دوم برای سنجش پنج متغیر مستقل شامل ۲۷ گویه.
  ۳. پرسش‌های زمینه‌ای برای تعیین وضعیت اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان (شامل ۱۶ سؤال). جامعه‌ی آماری تحقیق، در برگرفته‌ی کلیه‌ی دانشجویان اعم از کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز در نیمسال دوم تحصیلی ۸۰-۷۹ می‌باشد که براساس آمار گرفته شده از مرکز آمار و رایانه‌ی دانشگاه، تعداد آنان ۷۷۸۷ نفر است. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران<sup>۳۹</sup> ۳۶۶ نفر برآورد شد. براساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای<sup>۴۰</sup> و تبدیل رشته‌های تحصیلی فعال در واحد شیراز در پنج دانشکده و تعیین درصد تعداد دانشجویان هر دانشکده از کل جامعه‌ی آماری و تعیین سهم هر دانشکده از حجم نمونه‌ی براساس نمونه‌گیری تصادفی ساده مبتنی بر «جدول اعداد تصادفی»<sup>۴۱</sup> نمونه‌ی برگزیده و با توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه به عنوان نمونه‌ی قطعی مبنای تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار گرفت.
- در این پژوهش، متغیر وابسته «رضایت‌مندی سیاسی» است که منظور نگرش اعضای نظام اجتماعی اعم از فرد یا گروه، نسبت به مجموعه‌ی نظام سیاسی و در برگرفته‌ی حاصل جمع میزان احساس رضایت افراد از عملکرد هر یک از سطوح سه‌گانه‌ی نظام، فرآیند و سیاست است.

متغیرهای مستقل، در برگرفته‌ی وضعیت اجتماعی-اقتصادی و برخی از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی است که به شرح زیر تفکیک و تعریف می‌شوند:

۱. جنس: منظور، مرد یا زن بودن پاسخگوست که در سطح متغیر اسمی قرار می‌گیرد.
۲. وضعیت تأهل: منظور، مجرد یا متأهل بودن پاسخگوست که متغیری اسمی است و به دو دسته‌ی کلی کسی که ازدواج کرده و کسی که هنوز ازدواج نکرده است تقسیم می‌شود.
۳. وابستگی به تشکیلات سیاسی: منظور، عضویت پاسخگو در تشکیلات سیاسی دانشجویی و یا تشکلات سیاسی جامعه است که به دو دسته‌ی کلی داشتن عضویت و نداشتن عضویت در تشکلات سیاسی تقسیم می‌شود. این متغیر نیز در سطح سنجش متغیر اسمی است.
۴. شاغل بودن: منظور، وضعیت فعالیت دانشجوی در امری غیر از امر تحصیل است که در قبال انجام آن درآمد به دست آورد. این متغیر به دو دسته‌ی شاغل؛ یعنی کسی که غیر از تحصیل به فعالیت دیگری که در آن درآمد نیز کسب کند و غیرشاغل؛ یعنی که کسی که به هیچ‌فعالیته‌ی غیر از تحصیل مشغول نیست، تقسیم می‌شود.
۵. منزلت اجتماعی: منظور از آن، وضع یا مرتبه‌ای است که خانواده‌ی پاسخگو در جامعه، از آن برخوردار است. برای اندازه‌گیری این متغیر از سه شاخص «منزلت شغل»<sup>۴۲</sup> پدر، میزان درآمد پدر و میزان تحصیلات والدین استفاده شده است. منظور از منزلت شغل پدر، درجه‌ی اعتباری است که شغل پدر از نظر اجتماعی در افکار عمومی دارد. در این پژوهش برای تعیین منزلت شغل پدر از مقیاس منزلت مشاغل به دست آمده از تحقیق مقدس در سطح شیراز استفاده شده است. براساس این مقیاس، منزلت کلیه‌ی مشاغل از دید مردم شیراز محاسبه و به صورت نمره‌ی عددی بیان شده است. بیشترین رتبه شامل ۹۱/۴ مربوط به پزشک متخصص و کمترین رتبه در برگرفته‌ی نمره ۹/۲ و شامل شغل مستخدم منزل است (مقدس، ۱۱-۱۴: ۱۳۷۴)
۶. خاستگاه اجتماعی: منظور، محل سکونت دانشجوی تا پیش از ورود به دانشگاه است. یعنی منطقه‌ای که دانشجویان تا پیش از ورود به دانشگاه، بیشترین دوران زندگی خود را در آنجا گذرانده‌اند، که به صورت چهار منطقه،



- شامل: مرکز استان، شهرستان‌ها، مناطق روستایی و مناطق عشایری تقسیم می‌شود. البته در تبیین این متغیر، محل تولد نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد که خود نمایانگر خاستگاه اجتماعی هم می‌باشد.
۷. پیشینه‌ی مهاجرت: منظور مکانی است که خانواده‌ی دانشجو ۲۰ سال گذشته را در آن‌جا گذرانده‌اند. اگر در ۲۰ سال گذشته‌ی در محل فعلی خود زندگی نمی‌کرده، از کجا به محل فعلی مهاجرت کرده‌اند. در این زمینه، چهار منطقه در نظر گرفته شده است: شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک، مناطق روستایی، مناطق عشایری.
۸. استفاده از وسایل ارتباط جمعی: منظور، میزان زمانی است که فرد در شبانه‌روز صرف تماشای تلویزیون، شنیدن رادیو و مطالعه‌ی روزنامه و مجلات می‌کند.
۹. دوستان سیاسی: منظور، داشتن دوستانی است که نسبت به مسایل سیاسی توجه نشان می‌دهند و توان تجزیه و تحلیل مسایل سیاسی را دارند یا در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌کنند.
۱۰. خانواده‌ی سیاسی: منظور، داشتن خانواده‌ای است که نسبت به مسایل سیاسی توجه نشان می‌دهند.
۱۱. درجه‌ی مذهبی بودن: منظور، میزان التزام و پایبندی فرد به آداب و مناسک مذهبی است. این متغیر ناظر به بعد مناسکی از ابعاد دینداری است به عبارتی اعمال دینی مانند: عبادت، شرکت در آیین‌های خاص، روزه گرفتن و غیره که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به جا آورند شامل می‌شود (سراج‌زاده، ۱۵۰: ۱۳۷۷).
۱۲. رضایت تحصیلی: منظور، میزان رضایت یا عدم رضایت دانشجویان از خدمات و امکانات تحصیلی و رفاهی است که در برگیرنده‌ی شاخص‌هایی همانند: خدمات بهداشتی، امکانات رفاهی آزمایشگاهی، مقررات و آئین نامه‌های آموزشی و انضباطی و مدیریت دانشگاه می‌باشد (سراج‌زاده، ۶۲: ۱۳۶۸).
۱۳. بیگانگی سیاسی: حالتی روانی است که در آن فرد از فعالیت سیاسی خود احساس خشنودی و رضایت نمی‌کند و یا فعالیت سیاسی خود را خشنود کننده نمی‌داند (حسینی، ۱-۴۰: ۱۳۷۶). براساس مطالعه‌ی لوین، بیگانگی سیاسی به احساس بی‌قدرتی مربوط می‌شود. یعنی احساس بی‌معنی بودن فعالیت سیاسی و اداره‌ی جامعه از سوی گروهی کوچک از افراد قدرتمند، غیر قابل پیش بینی بودن رویدادهای سیاسی و اجتماعی، بی‌فایده انگاشتن پیگیری اخبار و کسب دانش درباره‌ی مسایل اجتماعی و سیاسی و نهایتاً نداشتن حس کارایی سیاسی (لوین به نقل از رضایی، ۶۳: ۱۳۷۵). از مصادیق اساسی بیگانگی سیاسی است.

## ۵. یافته‌ها

در این قسمت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. برای آزمون، فرضیه‌هایی که متغیرهای مستقل آن در سطح سنجش فاصله‌ای و یا نسبی باشند، از آزمون همبستگی پیرسون و برای آزمون فرضیه‌هایی که متغیر مستقل آن در سطح سنجش اسمی هستند، از آزمون تحلیل پراکنش یک طرفه استفاده شده است.

### ۵.۱. آزمون همبستگی پیرسون

نتیجه‌ی به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بیگانگی سیاسی پاسخگویان، بیشترین رابطه را با میزان رضایت‌مندی سیاسی آنان دارد. به گونه‌ای که ضریب به دست آمده از این آزمون  $r = -0.556$  است. منفی بودن ضریب یاد شده نشانگر رابطه‌ی عکس می‌باشد و این بدان معناست که با افزایش میزان بیگانگی سیاسی پاسخگویان، رضایت سیاسی آنان کم می‌شود. این متغیر قوی‌ترین ارتباط را با سه سطح رضایت‌مندی سیاسی دارد. از میان متغیرهایی که در سطح سنجش فاصله‌ای هستند، میزان درآمد، رتبه‌ی شغلی پدر، میزان تماشای تلویزیون، خواندن روزنامه و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، با متغیر وابسته، یعنی رضایت‌مندی سیاسی (در کل) و در سه سطح آن رابطه‌ی معناداری ندارند. از میان متغیرهایی که رابطه‌ای معنی‌دار با متغیر وابسته دارند، سه متغیر بیگانگی سیاسی، سطح تحصیلات والدین پاسخگویان، رابطه‌ای عکس و متغیرهای رضایت تحصیلی، درجه‌ی مذهبی بودن، دوستان سیاسی، خانواده‌ی سیاسی و گوش دادن به رادیو، رابطه‌ی مستقیم با متغیر وابسته دارند. جدول شماره ۱

ضرایب همبستگی میان متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای هستند را با متغیر وابسته یعنی رضایت‌مندی سیاسی در کل و در سه سطح آن به نمایش می‌گذارد.

جدول ۱: ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

خانواده سیاسی	دوستان سیاسی	درجه مذهبی بودن	رضایت تحصیلی	بیگانگی سیاسی	متغیر مستقل / متغیر وابسته
۰/۲۹۹*	۰/۳۲۵*	۰/۴۲۴**	۰/۴۹۴**	-۰/۵۶۶**	رضایت‌مندی سیاسی
۰/۲۵۲*	۰/۲۳۴*	۰/۴۲۰**	۰/۳۵۶*	-۰/۴۸۲**	رضایت در سطح نظام
۰/۲۸۵*	۰/۳۰۹*	۰/۳۶۴**	۰/۴۳۱**	-۰/۵۳۲**	رضایت در سطح فرآیند
۰/۲۸۱*	۰/۳۲۰*	۰/۳۸۹**	۰/۵۰۰**	-۰/۵۱۵**	رضایت در سطح سیاست

\*  $P \leq 0.05$       \*\*  $P \leq 0.01$

ادامه جدول ۱: ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

رتبه شغلی پدر	درآمد	کوش دادن به رادیو	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر	متغیر مستقل / متغیر وابسته
-۰/۱۱۵	-۰/۱۰۲	۰/۲۳۷*	-۰/۲۲۴*	-۰/۲۹۱*	رضایت‌مندی سیاسی
-۰/۱۲۴	-۰/۱۲۶	۰/۱۸۰*	-۰/۲۳۵*	-۰/۳۰۴*	رضایت در سطح نظام
-۰/۱۰۳	-۰/۰۹۹	۰/۲۵۰*	-۰/۲۴۲*	-۰/۳۰۵*	رضایت در سطح فرآیند
-۰/۱۰۸	-۰/۰۷۹	۰/۲۲۱*	-۰/۱۸۳*	-۰/۲۴۱*	رضایت در سطح سیاست

\*  $P \leq 0.05$       \*\*  $P \leq 0.01$

ادامه جدول ۱: ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	مدت زمان مطالعه روزنامه و مجلات	مدت زمان تماشای تلویزیون	متغیر مستقل / متغیر وابسته
۰/۰۶۱	۰/۰۶۴	-۰/۰۸۲	رضایت‌مندی سیاسی
۰/۰۳۵	۰/۰۲	-۰/۰۶۶	رضایت در سطح نظام
۰/۰۶۹	۰/۱۱۱	-۰/۱۰۰	رضایت در سطح فرآیند
۰/۰۶۰	۰/۰۵۶	-۰/۰۷۱	رضایت در سطح سیاست

## ۵.۲. آزمون تحلیل پراکنش

در این بخش، متغیرهای جنس، وضع تأهل، وابستگی به تشکلات سیاسی، خاستگاه اجتماعی، پیشینه‌ی مهاجرت و شاغل بودن که در سطح سنجش اسمی و تربیتی هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. آزمون تحلیل پراکنش نشان می‌دهد که متغیرهای جنس، وضعیت تأهل، وابستگی به تشکلات سیاسی، پیشینه‌ی مهاجرت و شاغل بودن، رابطه‌ای با میزان رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان ندارند. جدول شماره ۲ که میزان F به دست آمده، سطح معناداری و مجموع مجذورات میان گروهی و درون گروهی را نشان می‌دهد بیانگر این مطلب است.

جدول ۲: نتیجه‌ی آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره رضایت‌مندی سیاسی در گروه‌های مختلف

sig	F	مجموع مجذورات کل	مجموع مجذورات درون گروهی	مجموع مجذورات میان گروهی	نام متغیر
۰/۲۷	۱/۲۲	۲۲۲۲۲۲/۷	۲۲۱۵۱۲/۳	۷۱۰/۴	جنس
۰/۴۲۴	۰/۶۴	۲۲۲۱۱۷/۵	۲۲۱۷۴۱/۷	۳۷۵/۸	وضعیت تأهل
۰/۱۴۴	۲/۱۴	۲۲۰۷۴۰/۸	۲۱۹۴۸۸/۳	۱۲۵۲/۵	وابستگی به تشکلات سیاسی
۰/۲۴	۱/۳۸	۲۲۲۲۲۲/۷	۲۲۱۴۱۸/۴	۸۰۴/۳	پیشینه مهاجرت
۰/۳۳	۱/۱۶	۲۱۹۱۵۹/۴	۲۱۶۴۲۲/۹	۲۷۳۶/۴	شاغل بودن

در آزمون تحلیل پراکنش تنها متغیر خاستگاه اجتماعی رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته نشان داده است برای این منظور، محل تولد و محل زندگی پیش از ورود به دانشگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین رضایت‌مندی سیاسی در میان کسانی که متولد مناطق روستایی هستند بیش از سه گروه دیگر است و این در حالی است که متولدان مراکز استان‌ها کمترین میزان رضایت‌مندی سیاسی را دارا هستند. نتیجه‌ی به دست آمده از آزمون توکی نشان می‌دهد که تنها، میانگین نمره‌ی رضایت‌مندی سیاسی کسانی که متولد روستا هستند با متولدان مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها دارای تفاوت معنادار است. جدول شماره ۳ نتیجه‌ی به دست آمده از این آزمون را نشان می‌دهد. میزان F به دست آمده از آزمون معناداری ۴/۹۴ می‌باشد که با درجه‌ی آزادی ۳ و ۳۷۸ در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. (Sig = /۰۰۲۳).

جدول ۳: آزمون معناداری تفاوت میانگین نمره رضایت‌مندی سیاسی بر حسب محل تولد

محل تولد	تعداد	آزمون توکی			میانگین نمره‌ی رضایت‌مندی سیاسی
		مراکز استان	شهرستان	روستا	
مراکز استان	۲۷۵	۰۰۰	۰۰۰	×	۷۲/۸
شهرستان	۷۸	۰۰۰	۰۰۰	×	۹۰/۷
مناطق روستایی	۲۴	×	×	۰۰۰	۱۰۶/۸
مناطق عشایری	۴	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۹۴/۲
اعلام نشده	۳	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰

sig = /۰۰۲۳      f = ۴/۹۴

مقایسه‌ی نمره‌ی میانگین رضایت‌مندی سیاسی در میان کسانی که بیشترین دوران زندگی‌اشان در مراکز استان‌ها بوده است، ۶۹/۳ است در حالی که این میانگین در میان کسانی که بیشترین دوران زندگی آن‌ها در روستا بوده است ۱۰۰/۹ می‌باشد. آزمون توکی نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌ها در میان چهارگروه مورد مطالعه، تنها میان ساکنان مناطق روستایی با ساکنان مراکز استان معنادار است. این نتایج نیز با توجه به میزان F به دست آمده برابر با ۴/۸ است که با درجه‌ی آزادی ۳ و ۳۷۷ در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. جدول شماره ۴ بیانگر این مطلب می‌باشد.

جدول ۴: آزمون معناداری نظارت میانگین نمره‌ی رضایت‌مندی سیاسی بر حسب محل زندگی  
پیش از ورود به دانشگاه

محل تولد	تعداد	میانگین نمره‌ی رضایت‌مندی سیاسی	آزمون توکی		
			مرکز استان	شهرستان	روستا
مرکز استان	۲۸۸	۶۹/۳	...	...	×
شهرستان	۷۳	۹۰/۳	...	...	...
مناطق روستایی	۱۷	۱۰۰/۹	×	...	...
مناطق عشایری	۴	۹۹/۴	...	...	...
اعلام نشده	۲	...	...	...	...

$$F = ۴/۸$$

$$\text{sig} = /۰۰۲۵$$

### ۶. تجزیه و تحلیل چند متغیره

در این بخش از آزمون رگرسیون چند متغیره، از روش «مرحله‌ای»<sup>۴۳</sup> استفاده شده‌است. ویژگی این روش آن است که در مرحله‌ی نخست، متغیری وارد معادله‌ی رگرسیون می‌شود که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد. سپس به ترتیب متغیرهایی که بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته دارند، وارد معادله می‌شوند. بنابراین پژوهشگر هیچ‌گونه دخالتی در شیوه‌ی ورود متغیرها به معادله ندارد. ضمن اینکه متغیرهای اسمی دو گزینه‌ای به صورت «متغیر ساختگی»<sup>۴۴</sup> وارد معادله گردیده‌اند.

### ۷. رگرسیون رضایت‌مندی سیاسی

اولین متغیری که بیشترین همبستگی را با میزان رضایت‌مندی سیاسی دارد، بیگانگی سیاسی است. (جدول شماره ۵) از این رو، اولین متغیری است که وارد معادله می‌شود. در مجموع ۳۱/۱۷ درصد از تغییرات میزان رضایت‌مندی سیاسی را تبیین می‌کند ( $R^2 = ۳۱۱۷$ ). بر اساس ضریب B به دست آمده، به ازای یک واحد افزایش در میزان بیگانگی سیاسی، ۲/۷۵ نمره از میزان رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان کاسته می‌شود.

رضایت تحصیلی، دومین متغیری است که وارد معادله شده و قدرت تبیین آن را تا ۱۰/۵۷ درصد افزایش می‌دهد. بر اساس ضرایب  $\beta$  تأثیر بیگانگی سیاسی اندکی بیش از تأثیر رضایت تحصیلی است. ورود متغیر سوم، یعنی درجه‌ی مذهبی بودن به معادله، باعث می‌شود که قدرت تبیین معادله ۳/۵ درصد افزایش یابد و  $R^2$  معادله به ۰/۴۵۲ برسد. بر اساس ضرایب در مرحله‌ی سوم، تأثیر بیگانگی سیاسی در تبیین رضایت‌مندی سیاسی، تقریباً به میزان تأثیر رضایت تحصیلی است. اما تأثیر درجه‌ی مذهبی بودن، تقریباً نصف تأثیر بیگانگی است. متغیری که در مرحله‌ی چهارم وارد معادله می‌گردد، میزان گوش دادن به رادیوست. ورود این متغیر به معادله، قدرت تبیین آن را تنها ۲ درصد افزایش می‌دهد و کل توضیح تغییرات متغیر وابسته را به ۴۷/۲ درصد می‌رساند ( $R^2 = ۴۷۲$ ).

سطح تحصیلات مادر، پنجمین متغیری است که وارد معادله شده و میزان  $R^2$  را به ۴۹۰۸/۴ افزایش می‌دهد. رابطه‌ی این متغیر نیز همانند بیگانگی سیاسی، رابطه‌ای عکس است؛ بنابراین ضریب B و  $\beta$  منفی است. بر اساس ضریب B سطح سواد مادر، با یک واحد افزایش در میزان سواد مادر، ۰/۷۸ از میزان رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان کاسته می‌گردد. تأثیر این متغیر در تبیین رضایت سیاسی نیز به اندازه‌ی میزان مذهبی بودن و گوش دادن به رادیو است، ضمن اینکه تأثیر این سه متغیر در تبیین رضایت‌مندی سیاسی تقریباً نصف دو متغیر رضایت تحصیلی و بیگانگی است. آخرین متغیری که وارد معادله می‌گردد و معادله‌ی نهایی را به دست می‌دهد، جنسیت پاسخگویان است. ورود این متغیر به معادله سبب می‌شود تا قدرت تبیین معادله یک درصد افزایش یابد و  $R^2$  از ۴۹/۵۰ برسد. بر اساس  $\beta$  یک واحد افزایش در میزان بیگانگی سیاسی ۱/۶۶ از نمره رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان کاسته می‌شود. همچنین یک واحد افزایش در میزان رضایت تحصیلی، ۱/۶۵ نمره به میزان رضایت‌مندی سیاسی افزوده می‌گردد. افزایش یک

واحد در درجه‌ی مذهبی بودن، ۱۶۹۵/ به میزان رضایت‌مندی سیاسی می‌افزاید و یک دقیقه افزایش به گوش دادن به رادیو موجب می‌شود ۰/۵۳/ نمره بر میزان رضایت‌مندی سیاسی افزوده شود. افزایش یک کلاس به میزان تحصیلات مادر ۰/۷۸/ نمره از میزان رضایت‌مندی سیاسی می‌کاهد و بالاخره رضایت‌مندی سیاسی پسران به میزان ۴/۸۵/ نمره کمتر از رضایت‌مندی سیاسی دختران است. در جدول شماره ۵ و براساس ضرایب  $\beta$  تأثیر بیگانگی سیاسی بیش از دیگر متغیرها است. با توجه به میزان  $F$  به دست آمده، که معادل ۳۸/۴ است با درجه‌ی آزادی ۶ و ۲۳۰ نتایج به دست آمده، دست کم در سطح ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به کل جامعه‌ی آماری را داراست.

جدول ۵: معادله‌ی رگرسیون نهایی رضایت‌مندی سیاسی بر حسب ضرایب  $B$  و  $\beta$

نام متغیر مستقل	ضریب $B$	ضریب $\beta$	T- Value	sig	R
بیگانگی سیاسی	-۲/۷۵	-۳۵	-۶/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۱۷
رضایت تحصیلی	۱/۶۵	۳۴	-۶/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۰۵۷
درجه‌ی مذهبی	۰/۶۹۵	۱۰۱۷	۳/۳	۰/۰۰۱۱	۰/۰۳۵
گوش سپردن به رادیو	۰/۰۵۳	۱۱۷	۲/۸۵	۰/۰۰۴۷	۰/۰۲۰
تحصیلات مادر	-۰/۷۸	-۱۶	-۲/۶۵	۰/۰۰۸۷	۰/۰۱۸۸
جنسیت	-۴/۸۵	-۱۶۶	-۲/۱۱	۰/۰۳۶	۰/۰۱
عدد ثابت	۱۰۵/۸۹	--	۱۰/۵	۰۰۰۰	

$$F = 38/4 \text{ d.F} = 6 \text{ و } 230 \text{ Sig} = 0/000 \text{ R} = 0/707 \text{ R}^2 = 0/5001$$

### ۸. نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور تبیین و تحلیل روانشناسی اجتماعی پدیده‌ی روانی رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان انجام گرفت. در این راستا ابتدا با استفاده از پژوهش‌های انجام گرفته و نظریه‌ی نظامند گابریل آلموند و همکارانش یک الگوی نظری بر پایه‌ی ۱۳ متغیر مستقل طراحی گردید تا تأثیر آنها بر متغیر وابسته (رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان) سنجیده شود. برای دستیابی به این هدف، فرضیاتی از مدل استنتاج گردید و هدف تحقیق آزمون این فرضیات بود. متغیرها در قالب یک دسته سؤالات و به وسیله‌ی یک پرسشنامه، در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت که سرانجام، داده‌ها از یک نمونه‌ی ۳۸۴ نفری به دست آمد. داده‌های گردآوری شده از نظر آماری برای آزمون فرضیه‌ها، مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد. بررسی نگرش آزمودنی‌های پژوهش و پاسخی که به هر یک از الگوهای طیف رضایت‌مندی سیاسی داده‌اند گویای این امر است که در مجموع، نگرش دانشجویان گویای رضایت‌مندی سیاسی ضعیف آنان است. رضایت‌مندی ۹۰/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از حد متوسط می‌باشد. میانگین نمره‌ی کسب شده از طیف رضایت‌مندی سیاسی ۹۲/۳ است که با در نظر گرفتن تعداد گویه‌های طیف (۴۱ گویه) میزان رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان در حد کم، با توجه مقیاس ۵ قسمتی طیف لیکرت می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت که در نمونه‌ی آماری، ناراضیاتی سیاسی فراگیر است. نتایج نشان می‌دهد که ناراضیاتی سیاسی در سطوح سه‌گانه‌ی نظام نیز دیده می‌شود به گونه‌ای که تقریباً به صورت مشابه شاهد ناراضیاتی در سطوح نظام، فرآیند و سیاست می‌باشیم. میانگین نمره‌ی رضایت‌مندی سیاسی ۸۲/۵ درصد از پاسخگویان، در سطح نظام ۲۰/۹۹ می‌باشد که با توجه به تعداد ۹ گویه که سازنده‌ی این سطح می‌باشد، نمره‌ی به دست آمده در حد گزینه‌ی کم می‌باشد. برای سطح فرآیند نمره رضایت‌مندی سیاسی ۸۶/۷ درصد پاسخگویان عدد ۱۷/۶۲ را نشان می‌دهد که با توجه به تعداد ۸ گویه‌ای که در سطح فرآیند می‌باشد، کمتر از حد متوسط است. در سیاست، سطح نمره ۸۸/۵۵ درصد پاسخگویان ۵۳/۶۸ است که با در نظر گرفتن تعداد ۲۴ گویه که به سنجش این سطح کمتر از حد متوسط و در حد گزینه‌ی کم است.

یافته‌های تحقیق گویای آن است که متغیرهای خانوادگی سیاسی، درجه‌ی مذهبی بودن و دوستان سیاسی ارتباط معنا‌داری با رضایت‌مندی سیاسی دارند. منزلت اجتماعی، سطح تحصیلات والدین، استفاده از وسایل ارتباط

جمعی و میزان گوش دادن به رادیو نیز ارتباط معناداری با رضایت‌مندی سیاسی دارند. وابستگی به تشکیلات سیاسی و شاغل بودن دانشجویان ارتباط معناداری با رضایت‌مندی سیاسی نداشته است.

یافته‌های تحقیق در تحلیل آماری دو متغیره نشان می‌دهد که میزان رضایت‌مندی سیاسی پاسخگویان بیش از هر عامل دیگری زیر تأثیر بیگانگی سیاسی آنان است. به گونه‌ای که ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده از همبستگی این دو متغیره  $-0.556$  است. متغیر بعدی که بیشترین ارتباط را با رضایت‌مندی سیاسی داشته رضایت تحصیلی است ( $r = 0.494$ ). درجه‌ی مذهبی بودن، دوستان سیاسی، خانواده‌ی سیاسی، میزان تحصیلات والدین و میزان گوش دادن به رادیو، با رضایت‌مندی سیاسی ارتباط منفی و دیگر متغیرهای یاد شده، رابطه‌ای مثبت با رضایت‌مندی سیاسی دارند. متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (مطالعه‌ی روزنامه و تماشای تلویزیون) میزان درآمد خانواده و رتبه‌ی شغلی پدر، ارتباطی با متغیر وابسته ندارند. همین نتایج در سطوح سه‌گانه‌ی رضایت‌مندی سیاسی (نظام، فرآیند، سیاست) نیز صادق است. در تحلیل پراکنش از میان متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، عضویت در تشکلات سیاسی، شاغل بودن، پیشینه‌ی مهاجرت و خاستگاه اجتماعی، تنها خاستگاه اجتماعی پاسخگویان رابطه‌ای معنادار با رضایت‌مندی سیاسی آنان داشته است. بررسی محل زندگی پاسخگویان پیش از ورود به دانشگاه، به عنوان شاخص خاستگاه اجتماعی نشان می‌دهد که از نظر رضایت‌مندی تنها میان ساکنان مراکز استان‌ها و مناطق روستایی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی ساکنان مناطق روستایی راضی‌تر از ساکنان مراکز استان‌ها بوده‌اند.

در تحلیل رگرسیون چند متغیره، شش متغیر بیگانگی سیاسی، رضایت تحصیلی، درجه‌ی مذهبی بودن، میزان گوش دادن به رادیو، سطح سواد مادر و جنسیت پاسخگویان، وارد معادله گردیده و در مجموع ۵۰ درصد از تغییرات در میزان رضایت‌مندی سیاسی را تبیین نموده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی از مباحث یاد شده می‌توان بیان کرد که علی‌رغم اهداف متعالی نظام سیاسی ایران، فرآیند رضایت‌مندی سیاسی جوانان (به ویژه دانشجویان) به نفع تعادل و ثبات در جریان نمی‌باشد. این فرآیند در سطح ساختاری و سپس سازمانی جامعه با ابهامات نظری که بیانگر عدم اجتماع نظری حاکمیت است روبه‌رو است. دانشجویان به عنوان کنشگران اجتماعی که از نظر قشر بندی اجتماعی می‌توانند در زمره‌ی فعالان سیاسی به ایفای نقش‌های سیاسی در جهت حمایت یا مقابله با نظام سیاسی بپردازند، مؤلفه‌ی رضایت‌مندی سیاسی آنان برای حاکمیت سیاسی، دارای اهمیت است. سطح پایین رضایت‌مندی سیاسی به منزله‌ی یک مسأله یا مشکل سیاسی مورد نظر تحقیقات سیاسی در کلیه جوامع قرار می‌گیرد تا حاکمیت از راه یافته‌های این پژوهش‌ها به تثبیت نظام اجتماعی از راه افزایش رضایت‌مندی سیاسی اعضای نظام اجتماعی (به ویژه اقشار فعال) بپردازد.

این پژوهش دلالت بر ابهام کارکردی متغیرهایی دارد که ریشه در ساخت و بستر اجتماعی دارند. بیگانگی سیاسی به عنوان متغیری که حدود ۶۰ درصد از تغییرات رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان (با توجه متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیون) را توضیح می‌دهد به عنوان یک متغیر ساختاری در نظام اجتماعی قابل تعمق است. بیگانگی سیاسی دستاورد عدم انطباق اهداف سیاسی با ابزارهای سیاسی در یک نظام اجتماعی است. اهداف سیاسی همان آرمان‌ها و ارزش‌های سیاسی است که به وسیله‌ی نظام اجتماعی تبلیغ می‌شود. اعضای نظام اجتماعی در یک فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی می‌آموزند که چگونه می‌توان به این اهداف دست یافت. اگر مردم اعتماد سیاسی خود را دریافتن اهداف از دست دهند، مشروعیت سیاسی حاکمیت که یک مقوله ذهنی است، در سیستم معانی آنان مورد پرسش قرار می‌گیرد.

بیگانگی سیاسی در یک نظام اجتماعی عملاً به انفعال میان فرهنگ سیاسی و بستر سیاسی می‌انجامد. بدین معنا که بستر سیاسی همان هنجارها یا روابط سیاسی (قوانین و مقررات) در جامعه است که اراده‌ی حاکمیت در آن نهفته است. فرهنگ سیاسی، مجموعه ساخت و سازهای سیاسی است که به وسیله‌ی اعضای نظام اجتماعی در موقعیت‌های فردی، خانوادگی، گروهی و یا سازمانی تولید و باز تولید می‌نمایند. این ساخت و سازها (فرهنگ)، هویت رفتاری یا نقش‌های اجتماعی کنشگران اجتماعی را ترسیم می‌کنند. در فرهنگ سیاسی، نقش فعالان سیاسی مانند نخبگان سیاسی و جوانان با سطح آگاهی لازم (مانند دانشجویان و محصلان) در هدایت ساخت و سازها دارای اهمیت است. از

آن‌جایی که فرهنگ سیاسی نمی‌تواند در خلاء انجام گیرد، هر گونه عدم انطباق فرهنگ سیاسی با بستر سیاسی مورد نظر حاکمیت سیاسی، به معنای فعال شدن یک بستر سیاسی حاشیه است. این بستر، آرمانها و ارزش‌هایی را تبلیغ می‌کند که با ارزش‌های بستر سیاسی حاکمیت منافات دارد. ثمره‌ی این شرایط، تقویت تعارض ارزشی برای هرگونه انتقال سیاسی در جامعه است. بنابراین عدم رضایت‌مندی سیاسی در جامعه، به عنای فعال بودن بیگانگی سیاسی است. در این حالت، فرهنگ سیاسی یا ساخت و سازهای سیاسی، براساس بستر اجتماعی حاشیه یا در سایه انجام می‌شود. حضور و تقویت بستر سیاسی در سایه به معنای گسترش زمینه‌های انتقال سازمانی و سپس ساختاری در نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر عدم رضایت‌مندی سیاسی به بیگانگی سیاسی، بیگانگی سیاسی به عدم مشروعیت سیاسی، عدم مشروعیت سیاسی به عدم اعتماد سیاسی، عدم اعتماد سیاسی به تحریک کنشگران اجتماعی برای ورود آنها به ساخت و سازهای سیاسی براساس بستر در سایه (حاشیه) می‌انجامد. فعال شدن بستر در سایه به معنای انفعال بستر اجتماعی مورد نظر حاکمیت برای هر گونه تغییرات سازمانی و ساختاری در آن است.

### یادداشت‌ها

- |                               |                                |
|-------------------------------|--------------------------------|
| 1. Political Satisfaction     | 2. Blocker & Sherkat           |
| 3. Activists                  | 4. Protests                    |
| 5. Angus Campbell             | 6. Belard Rayers               |
| 7. Philip Kanvers             | 8. J. Paige                    |
| 9. Riot Participation         | 10. Happiness                  |
| 11. Collared People           | 12. Attitude                   |
| 13. Political Trust           | 14. Officials                  |
| 15. Political Institutions    | 16. General Theory of System   |
| 17. Political Society         | 18. Goldrich                   |
| 19. Legitimacy Attitudes      | 20. Supporter                  |
| 21. Satisfy                   | 22. Opposing                   |
| 23. Critical Approach         | 24. Conflict                   |
| 25. Alienation                | 26. Habermas                   |
| 27. Comprehensive Approach    | 28. Common Sense               |
| 29. Social Action             | 30. Max Weber                  |
| 31. Legitimacy                | 32. Seymour Martin Lipset      |
| 33. Legitimaey and Efficiency | 34. Positivist Approach        |
| 35. Functionalism             | 36. Political Objects          |
| 37. Survey Method             | 38. Analytical                 |
| 39. Cochran                   | 40. Stratified Random Sampling |
| 41. Random Number Tables      | 42. Occupational Prestige      |
| 43. Stepwise                  | 44. Dummy Variable             |

### منابع

#### الف. فارسی

- آشوری، د. (۱۳۶۶). *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات سهروردی و مروارید.
- آلموند، گ. و دیگران. (۱۳۷۷). *چارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- از کمپ، الف. (۱۳۷۰). *روانشناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه‌ی فرهاد ماهر، مشهد: مؤسسه نشر آستان قدس رضوی.

- اوپنهایم، ا. ان. (۱۳۶۹). طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه‌ی مرضیه کریم‌نیا، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- ایمان، م. ت. (۱۳۷۶). رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی مردم در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۴ (پائیز و زمستان)، ۴۹۴-۴۷۵.
- پای، ل. (۱۳۷۰). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه‌ی مجید محمدی، فصلنامه فرهنگ، ۶ و ۵ (پائیز و زمستان)، ۳۸.
- برونو، ف. (۱۳۷۳). فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی، ترجمه‌ی مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، تهران: انتشارات طرح نو.
- پورافکای، ن. (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روانشناسی، روانپزشکی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- توکلی کرمان، ح. (۱۳۷۹). رضایت آگاهانه مردم زیر بنای تعادل، روزنامه همشهری بخش اندیشه، چهارشنبه ۱۴ دی ماه، ۶.
- حسینی، ع. الف. (۱۳۷۶). بررسی اجمالی تجارب آموزشی فرهنگی گروهی از فارغ التحصیلان دانشگاه شیراز سه زمینه رضایت‌مندی، تحقق آرمان‌های آموزشی و اندازه تغییرات، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲ (بهار)، ۱۰-۴.
- درویش‌پور، م. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی سیاسی جنبش دانشجویی، ماهنامه اجتماعی فرهنگی اندیشه جامعه، ۱۴ (دی)، ۱۵.
- رضایی، ع. (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی: وسیله یا هدف توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۰۹ و ۱۱۰ (مهر و آبان)، ۶۳-۵۴.
- سراج‌زاده، ح. (۱۳۶۸). بررسی میزان شرکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب در شهرستان‌های کشور و روابط آن با برخی از متغیرهای اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۶۲.
- سراج‌زاده، ح. (۱۳۷۱). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن، فصلنامه نمایه پژوهش، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲ (پائیز و زمستان)، ۱۰۵.
- عالم، ع. (۱۳۷۸). بنیاد علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- فروند، ژ. (۱۳۶۲). آراء و نظریه‌هایی در علوم انسانی، ترجمه‌ی علی محمد کاروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کاظمی، ع. الف. (۱۳۷۶). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران، معاصر، تهران: نشر قومش.
- گر، ت. ر. (۱۳۷۷). چرا انسانها شورش می‌کنند، ترجمه‌ی علی مرشدی زاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیپست، س. م. (۱۳۷۴). مشروعیت و کارآمدی، ترجمه‌ی رضا زبیب، ماهنامه فرهنگ توسعه، خرداد و تیرماه، ۱۰.
- مارکس، ک. (۱۳۷۳). قطعات برگزیده از آثار مارکس، فصلنامه ارغنون، ترجمه‌ی مجید مددی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۳ (پاییز)، ۴۲.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۳). بیگانگی اجتماعی فرهنگی و سیاسی، مجله کلمه، ۲، ۲۷.
- معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، (۱۳۷۸). بررسی نگرش‌های سیاسی دانشجویان، نشریه فرهنگ، پژوهش، دانشجو، تهران: معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی اسفند ماه، ۱۶۴-۱۴۹.



مقدس، ع. الف. (۱۳۷۴). *منزلت شغلی در جامعه ایران، مورد مطالعه شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۰ (بهار)، ۱۱-۱۴.

مورگنتا، ه. جی. (۱۳۷۴). *سیاست میان ملت‌ها، ترجمه‌ی مشیرزاده، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت امور خارجه*.

موسوی، رو. (۱۳۷۶). *عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس و برهابرماس، کیهان فرهنگی*، ۱۳۸ (دی)، ۱-۲۹.

نصفت، م. (۱۳۵۴). *سنجش افکار دانشجویان کشور، تهران: مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران و مدیریت رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه*.

ب. انگلیسی

Almond, G. and Verba, S. (1962). **The Civic Culture**, Boston: little Brown and Company.

Blocker, M. J. and Sherkat, P. E. (1994). *The Political Development of Sixties Activists Identifying. The Influence of Class, Gender and Socialization on Participation, Social Force*, 72(3), 82.

Gamsons, W. A. (1968). **Power and Discontent**, Homewood: Dorsey Press.

Goldrich, D. (1966). **Sons of the Establishment: Elite Youth in Panama and Costarica**, Chicago: Rand Menally.

Moller, V. (1996). *Life Satisfaction and Expectations for the Future in a Sample of University Students, South African Journal of Sociology*, 27(1), 10-26.

Neuman, W. L. (1991). **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches**, Massachusetts: Allyn and Bacon Press.

Paige, J. (1961). *Political Orientation and Riot Participation, American Social Review*, 36(23), 811-20.